



موضوع شناسی فقهی «اسباب محرمیت ناشی از باروری های نوین»

سید هدایت الله میرسالاری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۰

چکیده

بیشرفت های حوزه باروری های نوین، روابطی میان متولدین حاصل از این روش ها و افراد دخیل در فرآیند تولد آنان پدید آورده است؛ روابطی که می تواند در فقه، منشأ احکام محرمیت از جمله حرمت نکاح و جواز نظر باشد. پرسش اصلی این است که موضوع شناسی فقهی محارم در باروری های نوین چگونه تبیین می شود و با چه شاخصه هایی می توان درباره تحقق محرمیت نسبی یا رضاعی در این روابط داوری کرد؟ این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و مطالعه کتابخانه ای بوده و در دو بخش شناسایی و احصای حالت های مختلف روابط میان فرزند حاصل از تلقیح مصنوعی و صاحبان سلول های جنسی، رحم و همسران آنان؛ و بررسی شاخصه های فقهی اسباب محرمیت (نسب، ازدواج و رضاع) و تطبیق آنها بر روابط مذکور سامان یافته است. یافته ها نشان می دهد عنوان «محرمیت» تأسیسی و شرعی است؛ که تنها با تحقق یکی از اسباب سه گانه محرمیت ثابت می شود. از این رو، در روابط ناشی از تلقیح مصنوعی، ثبوت یا عدم ثبوت محرمیت، وابسته به امکان انطباق این اسباب بر وضعیت های نوپدید است. بر پایه تطبیقات، محرمیت نوزاد پسر با زن صاحب رحم و تخمک و با زن صاحب تخمک-مشهور او را مادر می داند- ثابت است؛ اما نسبت محرمیت میان نوزاد دختر و شوهر زن صاحب رحم یا تخمک، محل اختلاف است. بعلاوه محرمیت رضاعی ناشی از شیر مصنوعی، تنها در فرض مشروعیت تلقیح و تحقق شرایط رضاع، قابل سرایت است و گستره آن همانند محرمیت رضاعی در موارد طبیعی است. لذا موضوع شناسی روابط باروری های نوین و تطبیق آنها با شاخصه های محرمیت، گامی ضروری برای استنباط احکام شرعی محارم جدید به شمار می آید.

کلیدواژه ها: اسباب محرمیت، باروری نوین، موضوع شناسی محرمیت، محارم رضاعی، محارم نسبی.

۱. استاد سطوح عالی حوزه و محقق حوزه فقه پزشکی sayedhedayatm@gmail.com.

مقدمه

موضوع‌شناسی موضوع یک حکم، جایگاه مهمی دارد. چراکه «موضوع» بر «حکم» مقدم است و فعلیت حکم، متوقف بر فعلیت موضوع است (طباطبایی قمی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۷۲) و در مسئله شرعی «حکم محارم» باید «حکم شرعی»، «موضوع حکم»، «متعلق حکم» و «متعلق موضوع»، روشن شود تا معلوم شود در بحث موضوع‌شناسی این مسئله، چه عنوانی باید مورد شناخت قرار گیرد؟

باید دانست که حکم در این مسئله، «حرمت یا جواز» است و متعلق حکم «ازدواج یا نظر» است؛ مثلاً گفته می‌شود: «خاله محرم ازدواج با او حرام است». ممکن است اشکال شود: موضوع حکم، انسان‌های مورد نظر هستند و قید یا متعلق یا جزء موضوع، «محرمیت» است. پاسخ داده می‌شود: بنابر تعریفی موضوع در اصطلاح موضوع‌شناسی (عباس ظهیری، ۱۳۹۶ش، ص ۲۱) موضوع، اعم از «موضوع» و «متعلق حکم» و «متعلق موضوع» است و هر سه در دانش موضوع‌شناسی قابلیت بررسی و موضوع‌شناسی دارند و در این نوشتار عنوان محرمیت به عنوان موضوع و متعلق محرمیت. افرادی که محرمیتشان نسبت به دیگری از نظر شرعی اهمیت دارد تا احکام محرمیت بر آنها مترتب شود. مورد موضوع‌شناسی قرار می‌گیرند و می‌توان به عبارت دیگری نیز این‌گونه ادعا نمود که افراد و مصادیق خارجی موضوع حکم هستند و محرمیت یک حکم وضعی برای موضوع، یا یک عنوان انتزاعی از موضوع است که هر دوی آنها باید موضوع‌شناسی گردد.

اهمیت موضوع‌شناسی این مسئله این است که باید مصادیق محارم نسبی و رضاعی حاصل از باروری‌های نوین که در جامعه زیاد شده است، تعیین گردد تا بتوان احکام محرمیت را یعنی حرمت ازدواج و جواز نگاه کردن را در مورد این افراد مراعات نمود و این مسئله ریشه در ارزش بنیان خانواده و رعایت احکام مرتبط با اعضای خانواده و حفظ حریم آن و مراقبت از آثار روانی این احکام در خانواده، دارد.

بنابراین این نوشتار به شناخت روابط بین افراد در تلقیح مصنوعی می‌پردازد؛ چراکه با توجه به حالت‌های گوناگون انجام تلقیح و متعدد بودن افراد دخیل در تشکیل جنین، روابط گوناگونی بین فرزند متولد شده با تلقیح و افراد دخیل، پدید می‌آید که می‌تواند مصداق و مورد یا متعلق محرمیت باشد و موضوع‌شناسی این موارد، لازم است و این قسمت، مربوط به عرف خاص (علم پزشکی) است که باید بررسی شود «تلقیح» چگونه و با چه انواعی انجام می‌شود و چه روابطی بین جنین و افراد دخیل در تشکیل آن پدید می‌آید و تمامی این روابط حاصله، چگونه احصاء می‌گردد؟ و در



بخشی دیگر، محرمیت و انواع محرمیت‌ها و اسباب و شرایط محرمیت - شاخصه‌های محرمیت نسبی و رضاعی و سببی... مورد دقت موضوع‌شناسانه قرار می‌گیرد و در نهایت، عنوان محرمیت با شاخصه‌ها و اسباب مشخص شده، بر برخی از روابط ناشی از تلقیح مصنوعی تطبیق می‌گردد تا موضوع بودن این موارد... محرم بودن آنها - برای خواننده روشن شود.

برخی از نوشته‌های در این زمینه، تعداد بسیار کمی از روابط افراد با فرزندان حاصل از تلقیح مصنوعی را به عنوان موضوع حکم، شمرده‌اند و از آنجا که این کتاب‌های فقهی، به بررسی حکم فقهی صرف پرداختند و تمام همتشان بر استدلال بر حکم فقهی، مخصوصاً حکم تکلیفی باروری‌های نوین بوده، کتب «وسائل الانجاب الصناعیه، سید محمد رضا سیستانی»، «بررسی فقهی تلقیح مصنوعی، محمد جواد فاضل لنکرانی»، «تلقیح مصنوعی از نگاه فقه، محمد ناظم زاده» و «تلقیح مصنوعی در آینه فقه، مرتضوی» از این قبیل است و کتاب «راه‌های محرمیت، عالمی طامه» موارد و روابط بیشتری را بر شمرده ولی باز هم بخشی از این روابط، احصاء شد. بعلاوه اینکه رسالت این کتاب تعیین راه‌های محرمیت بوده و نگاه موضوع‌شناسی با ضوابط «مرکز موضوع‌شناسی احکام فقهی» انجام نداده است. بنابراین نوشته پیش‌رو به روش کتابخانه‌ای به شناسایی تمام حالت‌های متصوره روابط افراد در تلقیح مصنوعی می‌پردازد که می‌تواند موضوعی برای اثبات محرمیت نسبی یا محرمیت رضاعی شرعی افراد با یکدیگر باشد. بعلاوه اسباب محرمیت شرعی را موضوع‌شناسی نموده تا شاخصه‌های مفهوم «محرمیت» تعیین شود و بر برخی موارد از روابط حاصل از تلقیح مصنوعی تطبیق گردد تا از این طریق، راه برای تعیین حکم فقهی محرمیت (حرمت نکاح و جواز نظر) یا عدم آن برای فقیه روشن شود. چنین نگاه موضوع‌شناسانه‌ای با رعایت ضوابط و چارچوب موضوع‌شناسی و با شناخت موضوع با تمام حالات و قیود و اجزاء آن، در هیچ‌کدام از آثار مرتبط با این مطلب دیده نمی‌شود.

ادبیات پژوهش

- تلقیح مصنوعی

لقاح در لغت عرب به معنای قبول منی حیوان نر توسط حیوان ماده و آبستن شدن است (جمعی از نویسندگان، ج ۲، ص ۸۳۴) و برخی دیگر آن را به فرایندی در تولید مثل جنسی معنا نموده‌اند که طی آن، سلول‌های جنسی نر و ماده با هم ترکیب می‌شوند و سلول تخم به وجود می‌آید. (انوری، ۱۳۸۱ ش، ج ۷، ص ۶۴۲۲) در اصطلاح فقه، حقوق و پزشکی، تلقیح به معنای ترکیب اسپرم و تخمک به وسیله ابزارهای پزشکی یا هر وسیله دیگری غیر از مقاربت و نزدیکی است (انصاریان، حسین، ۱۳۸۳ ش، ج ۱، ص ۱۴۹).

- محرم

محرم [مَرَّ] ناشایست. حرام (صفی پوری هندی، زنده ۱۲۵۳ق). حرام کرده خدا (ناظم الاطباء). جمع آن محارم است و محرم یا ذومحرم؛ آنکه نکاح با او روا نباشد (صفی پوری هندی، زنده ۱۲۵۳ق).

محارم به کسانی گفته می شود که به سبب خویشاوندی، نباید با همدیگر ازدواج کنند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ذیل واژه حرم) و محرم کسی است که به واسطه نسب، شیر دادن یا... ازدواج برای همیشه با وی حرام شده است (مشکینی اردبیلی، ۱۳۸۱ش، ص ۳۷۲) محرمیت در فقه، گاهی آثار دیگری مثل جواز نگاه کردن (طباطبائی یزدی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۳۱۷) و ارث بردن (نجفی، ۱۳۶۲ش، ج ۳۹، ص ۷) دارد.

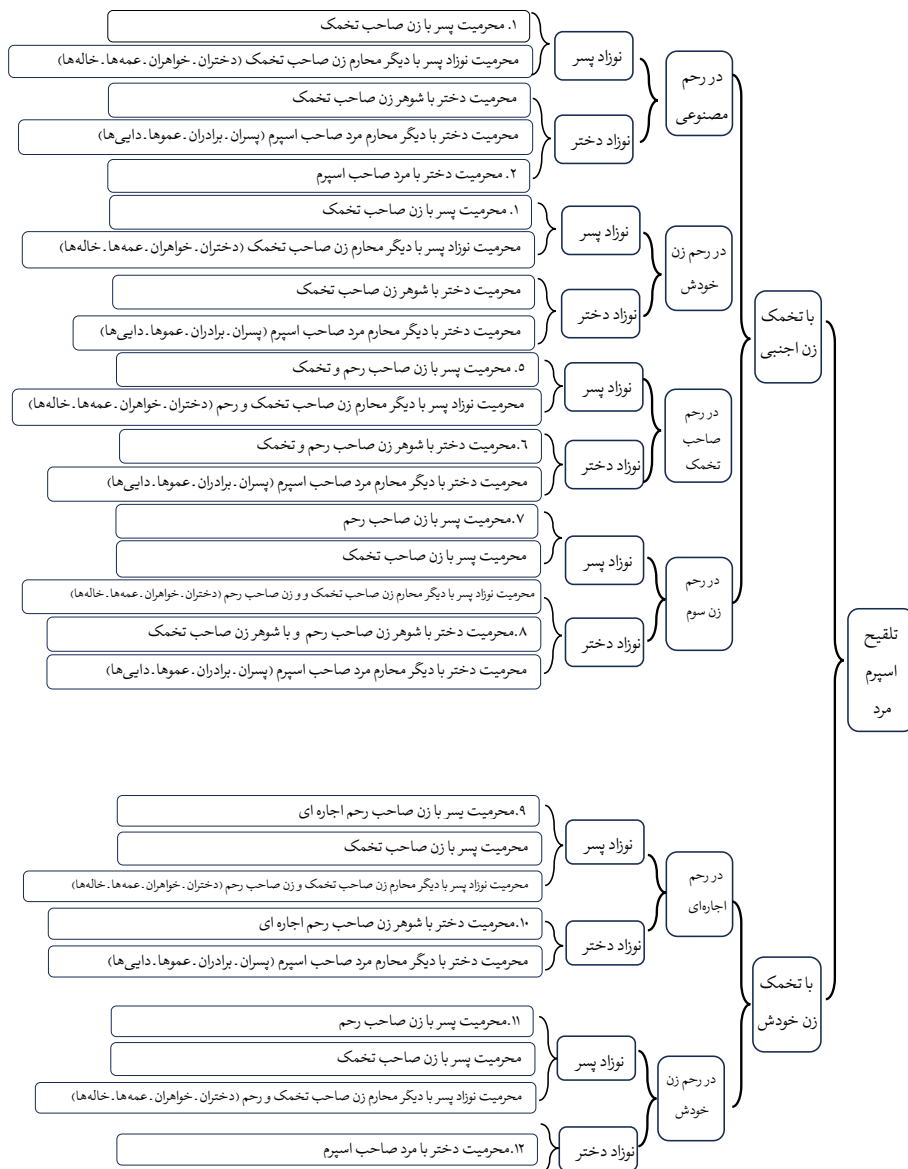
موضوع شناسی گونه های محرمیت در تلقیح مصنوعی

در فرآیند باروری های مصنوعی، نسبت ها و روابطی بین زن و مرد دخیل در تکوّن جنین، ایجاد می شود که در حالت های مختلف این روابط احتمال تحقق محرمیتی بین افراد - زن و مرد و فرزند پسر و دختر - را ایجاد می کند، مثلاً گاهی زنی صرفاً صاحب رحمی است که فرزند در آن رشد یافته؛ این رابطه، می تواند موضوع حکم شرعی محرمیت باشد که آیا محرمیتی بین فرزند پسر و زن صاحب رحم ایجاد می شود؟ همین طور زنی با شیر حاصل از بارداری مصنوعی، فرزند دیگران را شیر بدهد؛ این ارتباط شیردهی بین زن و شیرخوار، موضوع حکم شرعی انتشار محرمیت رضاعی است.

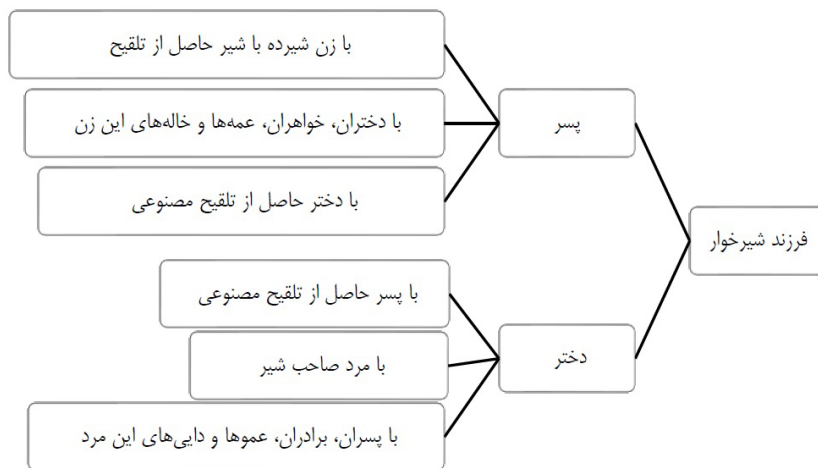
بنابراین یکی از مسائلی که نیازمند موضوع شناسی فقهی است، همین روابط و نسبت ها یا همین محرمیت های احتمالی است که پس از شناخت موضوعی آنها، در فقه تعیین گردد آیا این روابط، محرمیت ایجاد می کنند؟.

از این رو رابطه نوزاد پسر با زن صاحب رحم و تخمک و نوزاد پسر با زن صاحب رحم و صاحب تخمک و نوزاد پسر با زن صاحب تخمک و نوزاد دختر با مرد صاحب اسپرم و نوزاد دختر با شوهر زن صاحب تخمک و رحم و نوزاد دختر با شوهر زن صاحب تخمک یا با شوهر زن صاحب رحم و مواردی از این قبیل، موضوع تحقق محرمیت شرعی هستند که باید علم فقه تکلیف حکم تحقق یا عدم تحقق محرمیت را در هر کدام روشن نماید.

که با توجه به نمودار ترسیم شده، چندین مورد و حالت در این مسئله قابل تصور است که برخی از موارد، اساس هستند و حکم بقیه به تبع آنها، تعیین می گردد.



علاوه بر موارد مذکور در جدول، موضوع مهم دیگر، تحقق محرمیت رضاعی به واسطه شیر حاصل از لقاح مصنوعی است که با توجه به آن، نسبت افرادی موضوع حکم محرمیت شرعی واقع می‌شوند مثلاً رابطه بین مادرشیرده و پسری شیرخوار و رابطه دختر حاصل از تلقیح مصنوعی و فرزند پسری که از مادرش شیر می‌خورد؛ و همین‌طور رابطه فرزند پسر حاصل از تلقیح مصنوعی و فرزند دختری که از این مادر شیر بخورد؛ و رابطه این فرزند دختر شیرخوار با مرد صاحب شیر؛ و همین‌طور نسبت فرزند شیرخوار با فرزندان دیگر مادر شیرده (برادر و خواهرهای فرزند حاصل از تلقیح) که مجموع این روابط در جدول زیر قابل تصورند و همگی موضوع حکم محرمیت شرعی هستند.



بنابراین موضوع محرمیت شرعی به دو صورت در این نوشتار بررسی می‌گردد؛ یکی مواردی است که موضوع محرمیت، روابط ناشی از سلول‌های جنسی و دخالت در زاد و ولد است و دیگری مواردی است که موضوع محرمیت، خوردن شیر حاصل از تلقیح مصنوعی می‌باشد.

موضوع‌شناسی محرمیت

در فرایند موضوع‌شناسی عنوان «محرمیت» ابتدا نوع موضوع از نظر شرعی یا عرفی بودن و... روشن شده سپس مؤلفه‌ها و شاخصه‌های آن تعیین می‌گردد و برای تعیین وجود یا عدم وجود این شاخصه‌ها در برخی از موارد، تطبیق شاخصه‌های موضوع بر مورد انجام می‌شود.

- تعیین نوع موضوع

در دانش موضوع‌شناسی، موضوعات به سه دسته تقسیم می‌شوند؛ «موضوعات مخترع شرعی» که شارع خود آنها را ایجاد، تعریف و حدود و شرایطشان را بیان کرده است؛ مانند نماز و زکات و «موضوعات مستنبط شرعی» که موضوعاتی عرفی هستند که شارع در آنها تصرف کرده و قیود یا شرایطی بر آنها افزوده است؛ مانند سفر، وطن، بلوغ و «موضوعات عرفی» که شارع در آنها هیچ‌گونه تصرفی نکرده و تشخیصشان به عرف واگذار شده است؛ مانند آب، شراب و اکراه (ر.ک: بیات، ۱۴۰۱ش، ص ۷۱).

با توجه به اینکه عنوان محرم، واژه‌ای است که خود شریعت در بیان آن وارد شده است و در عین حال قبل از شریعت اسلام نیز نکاح‌های مجاز و غیر مجاز از نظر شریعت سابق وجود داشت و البته بدون وجود شریعت، محرمیت و نکاح خیلی معنایی نداشت، می‌توان گفت که محرمیت و حرمت نکاح و نظر امری است که به وسیله شریعت الهی اختراع شده ولی در شریعت اسلام دستکاری شده و حد و حدود و موارد آن تصریح و تأیید یا رد شده است. لذا برخی از ازدواج‌های حلال ادیان قبل از اسلام برای مسلمین حرام است؛ مثل نکاح رھط (بخاری، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۱۶۰) و نکاح شغار (سبزواری، ۱۴۱۷ق، ج ۲۵، ص ۷۸).

در همین زمینه، برخی (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۳۳) فرمودند: ازدواج در شریعت اسلام تأسیسی و توقیفی است چرا که شارع، قدری آن را تغییر داده است و احکام و فروع آن را ابداع کرده است که از حالت عرفیت و عقلایی به حالت امر شرعی تغییر یافته. لذا برای تعیین احکام فقهی، فقط باید به شریعت مراجعه کرد. بنابراین محرمیت به عنوان یکی از احکام ازدواج، حکم توقیفی است که شریعت باید حدود و ثغور آن را تعیین کند. لذا شاید بتوان گفت که از بین سه نوع موضوع بیان شده، «محرمیت» از موضوعات مستنبطه شرعی است که باید حدود و مصادیق آن را از شریعت اسلام و نصوص استنباط نمود.

مؤید این نکته، این است که محارم در قرآن بیان شده‌اند نخست محارم نکاح که ازدواج با آنها حرام است (۲۲ تا ۲۴ نساء) در این آیات، زنانی که به واسطه نسب، رضاع و سبب، ازدواج با آنها حرام است، ذکر شده است که اساس شناسایی محارم در فقه هستند. دسته دیگر در آیات حجاب آمده و محارم حجاب (آزاد از نگرستن) می‌باشد (۳۱، نور). بنابراین شارع، در برخی موارد، به صورت تأسیسی، ازدواج با آنان را حرام نموده است. لذا باید با مراجعه به فقه و شریعت اسلام، شاخصه‌های این مفهوم محرمیت را معلوم نمود و این نوشتار متکفل این مهم می‌باشد.

شاخصه‌های فقهی محرمیت

برای تعیین شاخصه‌های فقهی و شرعی «محرمیت» باید به آیات و روایات و منابع فقهی رجوع کرد. همانطور که اشاره شد، محارم و احکام آن در دو آیه ۲۳ سوره نساء و ۳۱ سوره نور ذکر شده است. در منابع روایی شیعه، مانند «وسائل الشیعه» و «مستدرک الوسائل» بخشی با عنوان «ابواب النکاح المحرم» تدوین شده و روایاتی از امامان معصوم علیهم‌السلام ناظر به بیان احکام ازدواج یا نگاه به محارم، گردآوری شده است (حرعاملی، ۱۳۷۶ق، ج ۲۰، ص ۳۰۷).

نکته ابتدایی اینکه؛ اسباب تحریم و حرمت ازدواج، اعم از اسباب محرمیت و قرابت است و برخی از موارد مثل کفر و احرام و تکمیل عدد و عده و... از مواردی هستند که ازدواج با آنها حرام است؛ ولی اصطلاحاً این زن‌ها محرم نیستند. چراکه محارم کسانی هستند که ازدواج با آنها حرام است و نگاه به بدن آنها جایز است و علت حرمت ازدواج آنها اسباب ویژه سه‌گانه نسب، مصاهره و رضاع می‌باشد. چه اینکه در روایتی امام موسی بن جعفر علیه‌السلام فرموده از پدرم سؤال شد از عمل زناشویی که خدای عزوجل در قرآن حرام کرده و آنچه را که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در سنت خود حرامش دانسته است. پدرم فرمود: «آنچه خدای عزوجل حرام کرده، ۳۵ صورت است که ۱۷ صورت آن در قرآن است و ۱۸ صورت آن در سنت» در این روایت، اسباب تحریم ۳۵ مورد شمرده شدند.

علاوه بر آیه و روایت، با بررسی کلام فقها معلوم می‌شود که: محقق حلی در «شرایع» اسباب تحریم را شش مورد اساسی می‌داند و موارد دیگر را در ضمن این شش مورد تبیین می‌نماید و «مسالك» در شرح کلام ایشان، موارد متعددی را بر می‌شمارد و «جواهر الکلام» در ذیل همان شش مورد صاحب شرایع، ۲۱ مورد را بیان می‌کند. سه مورد کلی اسباب تحریم، همان اسباب سه‌گانه محرمیت می‌باشد که عبارت از نسب، سبب و رضاع است. لذا برای تعیین شاخصه‌های فقهی محرمیت، باید این سه سبب محرمیت را تبیین نمود که همین اسباب مؤلفه‌ها و شاخصه‌های محرمیت خواهد بود.

نسب: نوعی خویشاوندی است که به واسطه تولد یک یا چند نفر از دیگری حاصل می‌شود (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۲۵) فقها با استناد آیه ۲۳ سوره نساء، ازدواج هفت دسته از مردان بر هفت دسته از زنان را به واسطه نسب حرام دانسته‌اند؛ که عبارتند از: مادر و مادر بزرگ (پدری و مادری) (نجفی، ۱۳۶۲ش، ج ۲۹، ص ۲۳۸) دختر و دختر فرزند، خواهر، دختر برادر، اولاد و نوه‌ها و نتیجه‌های برادر هرچه پایین‌تر روند، دختر خواهر، اولاد و نوه‌ها و نتیجه‌های خواهر هرچه پایین‌تر روند، عمه و عمه‌های پدر و مادر، خاله و خاله‌های پدر و مادر (امام خمینی، ۱۴۳۴ق، ج ۲، ص ۲۸۲).

رضاع: محرمیت رضاعی، نوعی خویشاوندی است که بر اثر شیرخوردن کودک از زنی غیر از مادرش ایجاد می‌شود (نجفی، ۱۳۶۲ش، ج ۲۹، ص ۲۶۴) در این آیه، فقط به حرمت ازدواج

با مادر و خواهران رضاعی اشاره شده است. فقها با استناد به روایتی از پیامبر ﷺ که فرمودند: «هر آنچه به واسطه نسب حرام است، به واسطه رضاع نیز حرام است» (مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۲۴۰). همه زنانی که به واسطه نسب، ازدواج با آنها حرام است، ازدواج با آنها به واسطه رضاع را نیز حرام دانسته‌اند (فاضل مقداد، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۸۲).

سبب: با خواندن صیغه عقد، علاوه بر زن و شوهر، برخی از خویشاوندان مرد و زن بر یکدیگر محرم می‌شوند که به آنها محارم سببی می‌گویند. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۲۸۱) آیه محارم به چهار مورد از این زنان، اشاره نمود که عبارتند از: مادر زن، ریبیه (دختر زن) از شوهر دیگرش "که پس از عقد با او آمیزش کرده است"، زن پسر (عروس) و ازدواج با دو خواهر در زمان واحد (فاضل مقداد، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۸۴).

نکته مهمی که پس از تعیین اسباب محرمیت قابل توجه است اینکه گاهی مقومات و ذاتیات یک مفهوم قابل تشخیص نیست. لذا باید آن مفهوم را اصطلاحاً به «رسم» تعریف نمود. یکی از اقسام تعریف که به تعریف به رسم (یعنی به کمک تبیین عرضیات مفهوم) ملحق می‌باشد، تعریف به بیان موارد و مصادیق یا اسباب و علل تحقق آن مفهوم می‌باشد. اکنون با توجه به اینکه ذاتیات عنوان محرمیت از متون شرعی قابل اصطیاد نیست، بلکه اسباب آن قابل استنباط می‌باشد، این مفهوم از منظر شرع به وسیله اسباب ذکر شده تعریف می‌گردد و همین اسباب در واقع شاخصه‌های شناخت این مفهوم خواهد بود و چنانچه در موردی، صدق این مفهوم بر آن مشکوک باشد، به همین اسباب مراجعه می‌شود. بنابراین با شناخت شاخصه‌های فقهی محرمیت و عناوینی که در فقه به عنوان اسباب محرمیت می‌باشند و تطبیق این شاخصه بر روابط احتمالی محرمیت حاصل از تلقیح مصنوعی. که قبلاً شمرده شدند. می‌توان مواردی از موضوعات محرمیت در تلقیح مصنوعی را به دست آورد.

ممکن است این اشکال مطرح شود که این تحقیق، تبیین شده یک بررسی فقهی است، نه تحقیقی در موضوع شناسی فقهی؛ اما پاسخ این است که محارم، موضوع حکم حرمت ازدواج و جواز نظر هستند؛ لذا شناخت محارم ناشی از تلقیح، کار موضوع شناسی است. اینکه آیا حرمت نکاح بر محارم ثابت است یا خیر کار فقهی است.

تطبیق شاخصه‌ها بر محرمیت‌های نسبی احتمالی در باروری‌های نوین

پس از بررسی روابط فرزندان با افراد اشتراک‌گذار سلول جنسی، یا افرادی که به نوعی دخالتی در تحقق و رشد جنین و نوزاد دارند، تعیین شاخصه‌های عنوان محرمیت، نوبت به تطبیق این اسباب و شاخصه‌ها بر موارد می‌رسد که در اینجا برخی از موارد اصلی و مهم، تطبیق انجام می‌گردد.

۱. سببیت رابطه نوزاد پسر با «صاحب رحم و تخمک»

در صورتی که صاحب رحم و صاحب تخمک یکی و همسر صاحب اسپرم باشد، چه تلقیح درون رحمی انجام شود و چه تلقیح برون رحمی، در این صورت بنابر قول مشهور فقها (که در جای خود گذشت) حتماً این زن، مادر نوزاد پسر بوده و محرمیت نیز به تبع مادر بودن ثابت است و اگر نوزاد دختر باشد نیز پدر بودن صاحب اسپرم و محرمیتش بنابر قول مشهور ثابت است.

۲. سببیت رابطه نوزاد پسر با «صاحب رحم» و «صاحب تخمک»

بر اساس دیدگاه فقهی که مادر بودن را به «صاحب تخمک» نسبت می دهد، زن «صاحب رحم» مادر محسوب نمی شود و احکام فقهی مادری برای او ثابت نیست؛ مگر آنکه برخی احکام مانند محرمیت (حرمت نکاح و جواز نظر) سرایت کند. برای اثبات این قرابت دلایلی ذکر شده است:

دلیل اول: اولویت از باب رضاع؛ چون شیر دادن اندک موجب محرمیت است، پرورش کامل جنین در رحم به طریق اولی باید محرم کند.

اشکال: «محرمیت» حکم شرعی و توقیفی است و شارع فقط شیر دادن با شرایط خاص را سبب دانسته است، نه پرورش در رحم.

دلیل دوم: شیر دادن صاحب رحم پس از زایمان؛ اگرچه به ظاهر ممکن است تصور شود که زن صاحب رحم با شیردادن به نوزاد تلقیحی، با او محرم می شود، اما این استدلال مردود است؛ زیرا تحقق محرمیت رضاعی نیازمند وجود همه شرایط شش گانه است. هرچند ممکن است بعضی شرایط مانند مکیدن، سن زیر دو سال یا تعداد دفعات شیر خوردن وجود داشته باشد. اما در مورد رحم اجاره ای، شرط (شیر باید ناشی از فرزند شوهر زن باشد) و شرط (شیر باید از یک شوهر باشد) در رحم اجاره ای محقق نمی گردد، چون شیرری که زن صاحب رحم دارد، از شوهر خودش نیست؛ بلکه از نطفه زوج دیگری است. بنابراین به دلیل اینکه همه شرایط کامل نیست، شیردادن زن صاحب رحم به نوزاد تلقیحی، سبب محرمیت نمی شود.

دلیل سوم: روایاتی که علت محرمیت رضاع را رشد گوشت و استخوان می دانند. اشکال: علت تامه محرمیت خود «شیر دادن» است، نه هر امری که موجب رشد گوشت شود.

دلیل چهارم: روایات درباره آزاد شدن فرزند کنیز باردار به سبب تغذیه از نطفه مولا. اشکال: این مربوط به مالکیت است، نه محرمیت.

دلیل پنجم: روایت آفرینش حوا و ردّ اینکه از دنده آدم باشد تا ازدواج با عضو خود لازم نیاید

(علل الشرایع). اشکال: نوزاد، اجزای زن صاحب رحم را ندارد و فقط از او تغذیه می‌کند؛ پس محرمیت ثابت نمی‌شود.

دلیل ششم: روایات نهی از ازدواج با قابله و دخترش (مانند روایت جابر بن یزید از امام باقر علیه السلام).

اشکال: این روایات بر کراهت حمل می‌شود، نه حرمت؛ و به زن حامل سرایت نمی‌کند. نتیجه: زن صاحب رحم حتی اگر فرزند را ماه‌ها شیر دهد، محرم او نمی‌شود. بنابراین رابطه آنان مانند رابطه اجنبی است و حتی می‌توانند با هم ازدواج کنند؛ هرچند احتیاط و عرف اجتماعی ازدواج را ناپسند می‌داند.

۳. سببیت رابطه نوزاد پسر با زن «صاحب تخمک»

در ارتباط با محرمیت فرزند پسر با زن صاحب تخمک نیز حکم این است که در صورت قول به مادر بودن صاحب تخمک و ثبوت نسب مادری، تمام احکام مترتب بر نسب از جمله محرمیت ثابت است. ولی بنا بر قول کسانی که صاحب رحم را مادر می‌دانستند یا هیچکدام از صاحب رحم و تخمک را مادر نمی‌دانستند، در این صورت با فرض مادر نبودن آیا دلیلی بر محرمیت صاحب تخمک موجود است؟ (فرقی ندارد در رحم زنی غیر از صاحب تخمک پرورش یابد یا در رحم آزمایشگاهی؟).

برای پاسخ به این مسئله باید دلایلی که قرار است برای محرمیت زن صاحب رحم به صورت مفصل تبیین گردد، اجمالاً اینجا مطرح شود تا معلوم شود ادله محرمیت قابل تطبیق است یا خیر؟.

دلیل شیر دادن که به هیچ وجه مطرح نیست؛ چرا که قرار نیست صاحب تخمک به نوزاد شیر بدهد.

اما دلیل اولویت نسبت به محرمیت رضاعی، به این معنا که اگر قرار است با شیر محرمیت بیاید به سبب تخمک دادن به طریق اولی محرمیت حاصل شود؛ چرا که میزان تأثیر تخمک در تکون و موجودیت نوزاد به مراتب بیشتر از میزان شیر رضاعی است.

لکن اشکال این نکته این است که دلایل محرمیت توقیفی و به دست شارع است و باید محرمیت رضاعی را با نص پذیرفت ولی بر محرمیت حاصل از تخمک، نصی وجود ندارد. بعلاوه اینکه مناط محرمیت رضاعی دقیق معلوم نیست تا تنقیح مناط شود و دلیل اولویت

پیدا شود و اینکه تخمک در تکون مؤثرتر است، معلوم نیست دلیل بر ایجاد محرمیت باشد. لذا این دلیل نمی‌رساند که صاحب تخمک تنها نسبت به این نوزاد پسر محرم باشد.

دلیل دیگر این است که سبب محرمیت رضاعی، روییدن گوشت و محکم شدن استخوان است و در مورد صاحب تخمک، با وجود اینکه تخمک این زن بیشتر اثر روییدن گوشت و سفت شدن استخوان در رشد جنین و نوزاد مؤثر است، بنابراین صاحب تخمک با فرض مادر نبودن محرمیتش بطریق اولی ثابت است.

این دلیل مخدوش است. چون شارع هر رشدی و هر رویش گوشت و استخوانی را موجب محرمیت نمی‌داند؛ بلکه رشد ناشی از شیر با خصوصیات معلوم را سبب می‌داند. بنابر توقیفی بودن اسباب محرمیت، اثبات صاحب تخمک بودن به عنوان سبب شرعی محرمیت صحیح نیست. بنابراین دلیل زن صاحب تخمک بنابر قول مادر نبودن وی محرم نوزاد پسر نخواهد بود.

دلایل دیگری که در بحث زن صاحب رحم و تخمک بیان شد نیز همگی با همان اشکالات در آن بحث مواجه هستند لذا نتیجه این می‌شود که یا صاحب تخمک مادر است و محرم فرزند پسر؛ و یا مادر نیست و دلیل مثبت محرمیت برای وی وجود ندارد و محرم نخواهد بود.

۴. سببیت رابطه نوزاد دختر با مرد اجنبی «صاحب اسپرم اهدایی»

یکی از فروعی که در تلقیح مصنوعی باید بدان توجه کرد این است که در صورتی که مرد خانواده دچار مشکل اسپرم است و اگر تخمک زن خانواده با اسپرم مرد اجنبی (اسپرم اهدایی) منعقد شد و جنین به دستگاه رحم مصنوعی منتقل گردید، یا در رحم زن اجنبیه (غیر از زن صاحب تخمک) رشد یافت و یا در رحم زن صاحب تخمک رشد پیدا نمود؛ آیا فرزند دختر به آن مرد صاحب اسپرم اهدایی محرم است؟ (محرمیت مرد خانواده «شوهر زن صاحب تخمک» با این نوزاد دختری که این مرد متکفل پرورش و حضانت اوست، در جای خود بررسی می‌شود) و ازدواج بین آن مرد و زن با این فرزند، غیر مجاز و حرام است؟ یا اینکه بین این فرزند دختر با مرد صاحب اسپرم اهدایی؟ هیچ رابطه محرمیت نیست و مجازند با هم ازدواج کنند؟

محرمیت فرزند دختر با مرد صاحب اسپرم در بحث نسب پدری (نسبت پدری بین دختر و مرد صاحب اسپرم یا صاحب منشأ تکون وی برقرار است) نشان می‌دهد که این مرد

(صاحب اسپرم) پدر این فرزند است و فرقی نمی‌کند طبیعی باشد یا مصنوعی؛ و تخمک زن خودش باشد یا تخمک زن اجنبی؛ و در رحم زن خودش پرورش یابد یا در رحم زن اجنبی یا در رحم آزمایشگاهی؛ چرا که نسب پدری اگر ثابت شد، بقیه احکام مترتب بر نسب از جمله محرمیت خواهد آمد.

۵. سببیت رابطه نوزاد دختر با شوهر زن «صاحب تخمک و رحم»

اگر اسپرم مردی به رحم زن شوهردار منتقل شود و او باردار گردد، یا اسپرم مردی با تخمک زن اجنبی تلقیح شود و به رحم همین زن انتقال یابد، حکم تکلیفی آن (که بیشتر فقها قائل به حرمت هستند) در جای خود بررسی شده است. اکنون پرسش این است که اگر فرزند حاصل، دختر باشد، آیا به شوهر این زن محرم خواهد بود یا خیر؟

از نظر حکم نسبی، کودک به صاحب اسپرم ملحق است و شوهر زن هیچ‌گونه انتسابی به این فرزند ندارد. مادر نیز همان زن صاحب تخمک (همسر شوهر) می‌باشد و از اسپرم مرد اجنبی باردار شده است. بنابراین رابطه مادری و فرزندی میان زن و کودک به طور قطعی برقرار است و احکام مادری و فرزندی نیز میان آنها جریان دارد و در ارتباط با محرمیت فرزند با شوهر زن در صورت دختر بودن دو احتمال قابل طرح است:

احتمال اول: این دختر هیچ نسبیتی با شوهر زن ندارد؛ پس دلیلی برای محرمیت وجود ندارد و در نتیجه محرم نیست.

احتمال دوم: این دختر به شوهر زن محرم است؛ زیرا عنوان «ربیبه» بر او صادق است. آیه «رَبَائِبُكُمُ اللَّائِي فِي جُحُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّائِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ» شامل چنین دختری می‌شود، چرا که او فرزند زوجه مرد است، به‌ویژه در فرض دخول.

ممکن است ایراد شود که ربیبه تنها شامل دختری است که زن از شوهر قبلی خود داشته و پس از ازدواج با این مرد همراه اوست؛ یا اینکه اگر زن از این شوهر طلاق بگیرد و سپس از شوهر بعدی صاحب دختر شود، باز هم به شوهر اول محرم خواهد بود. اما در مورد بحث ما، فرزند از شوهر قبلی یا بعدی نیست؛ بلکه از اسپرم مرد اجنبی در زمان زوجیت پدید آمده است. بنابراین، آیا اطلاق آیه شامل این مورد هم می‌شود یا نه؟

پاسخ آن است که عنوان ربیبه به‌طور مطلق بر هر فرزندی از زوجه صدق می‌کند و دلیلی بر خروج این مورد وجود ندارد. بنابراین، حتی اگر زن در زمان همسری، از طریق تلقیح مصنوعی با نطفه مرد اجنبی باردار شود، فرزند حاصل نیز مشمول عنوان ربیبه خواهد بود و

محرمیت با شوهر برقرار می‌شود. اگر فقهای گذشته این حالت را تصریح نکرده‌اند، به سبب نوپدید بودن آن است، نه به دلیل وجود مانع شرعی.

در مقابل، برخی می‌گویند این اطلاقات از چنین مواردی انصراف دارد و معلوم نیست که فرزند مذکور ربیبه محسوب شود. اما باید توجه داشت که صرف نوظهور بودن یک پدیده، موجب انصراف مطلق نیست. بنابراین، اطلاق ربیبه همچنان قابل انطباق بر چنین فرزندی است و دختر حاصل از تلقیح مصنوعی در این شرایط، به شوهر زن محرم خواهد بود.

۶. سببیت رابطه نوزاد دختر با شوهر زن «صاحب تخمک» یا با شوهر زن «صاحب رحم»
 فرع بعدی که به دنبال این مسئله پدیدار می‌شود، این است که اگر اسپرم از مردی باشد که زنش نه صاحب تخمک است و نه صاحب رحم، بلکه تخمک از زن دوم گرفته می‌شود و در رحم زن سوم قرار داده می‌شود، در این صورت فرزند دختر با شوهر صاحب تخمک و با شوهر صاحب رحم محرمیت دارد یا خیر؟

پاسخ این است که با توجه به این مبنا که مادر این دختر صاحب تخمک است، ممکن است گفته شود این دختر نسبت به شوهر زن صاحب تخمک، ربیبه است و احتمال دیگر این است که چون این زن صرف صاحب تخمک بودن برای تحقق عنوان ربیبه کفایت نمی‌کند و اینجا عدم شکل‌گیری اطلاق و انصراف یا احتمال انصراف واضح‌تر است؛ لذا شوهر زن صاحب تخمک محرم این دختر نیست.

اما در مورد شوهر زن صاحب رحم باید گفت: بنابر مبنای مشهور که صاحب رحم مادر نیست، دیگر اطلاق ربیبه بر این دختر برای شوهر این زن صاحب رحم خیلی بعید به نظر می‌رسد و تحقق اطلاق و عدم انصراف بسیار سخت خواهد بود.

محرمیت‌های رضاعی از شیر تلقیح مصنوعی

پس از بررسی موارد احتمالی محرمیت حاصل از عمل تلقیح مصنوعی باید دانست که یکی از پیامدهای بارداری حاصل از تلقیح مصنوعی، شیرری است که در سینه زن باردار به وجود می‌آید و می‌تواند با آن، فرزند خود یا دیگری را تغذیه کند. می‌دانیم یکی از اسباب قرابت و محرمیت، علاوه بر نسب، رضاع یا شیر دادن به نوزاد دیگر با شروط معتبر آن می‌باشد؛ اینجاست که با توجه به رشد روز افزون بارداری‌های حاصل از تلقیح مصنوعی پاسخ به این مسئله اهمیت می‌یابد که آیا احکام محرمیت رضاعی بر شیر حاصل از بارداری از طریق تلقیح مصنوعی نیز مترتب است یا خیر؟

فقهی خانواده

بنابراین موضوع دیگر که در این نوشتار باید مورد توجه موضوع‌شناسی قرار گیرد، تحقق محرمیت رضاعی به واسطه شیر حاصل از لقاح مصنوعی است که با توجه به آن، نسبت افرادی موضوع حکم محرمیت شرعی واقع می‌شوند؛ مثلاً رابطه بین مادرشیرده - شیرحاصل از تلقیح - و فرزند پسری که از وی شیر می‌خورد و موارد دیگری که در جدول مربوطه ذکر شد.

شاخصه‌های محرمیت رضاعی

ابتدا باید شاخصه‌های محرمیت رضاعی تعیین و سپس این شاخصه بر موارد رضاع از شیر مصنوعی تطبیق گردد و سرایت یا عدم سرایت محرمیت تحقیق شود.

نسبت به تحقق محرمیت رضاعی نیز اعتبار شروط مختلفی چون تحقق وطی و آمیزش مشروع، ولادت نوزاد، اتحاد فحل (مردی که اسپرم او سبب باردار شدن زن شیرده شده)، زنده بودن زن، کمیّت و کیفیت شیر دهی و... مورد توجه فقهاء است (نجفی، ۱۳۶۲ش، ج ۲۹، ص ۲۶۴).^۱

بحث در این قسمت مبتنی بر این است که موارد و شرایطی مثل تعداد دفعات شیر خوردن، نحوه شیر خوردن، مدت زمان شیر خوردن، حیات زن شیرده و ولادت نوزاد، مفروض باشد و در شیرخوردن فرزند اجنبی زن شیرده با تلقیح مصنوعی این شروط موجود است؛ لکن برخی از شروط انتشار رضاع به عنوان شروط با اهمیت و قابل دقت و بررسی در تطبیق بر موارد تلقیح مصنوعی است؛ مثل تحقق وطی و مشروعیت جنین، نقشی جدی در نکته انتشار محرمیت ناشی از این نوع شیر دارند؛ چرا که در تلقیح مصنوعی، آمیزشی صورت نمی‌گیرد و در برخی موارد هم تلقیح بین اسپرم و تخمک مرد و زنی انجام می‌شود که زوجیتی ندارند. این شروط مهم مورد توجه این نوشتار است که خواهد آمد.

۱. شروط: ۱. بارداری شرعی زن شیرده (نجفی، ۱۳۶۲ش، ج ۲۹، ص ۲۶۴)؛ ۲. عدد کامل شیر خورده شده از یک مرد (اتحاد فحل)، و یکی بودن زن شیرده کفایت نمی‌کند (تحریرالوسیلة، ج ۲، ص ۲۸۷)؛ ۳. استحکام استخوان و رویش گوشت شیرخوار (نجفی، ۱۳۶۲ش، ج ۲۹، ص ۲۷۱)؛ ۴. شیرخوار، حداقل یک شبانه روز شیر بخورد و در این مدت، غذایش فقط شیر باشد (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۹۵)؛ ۵. تعداد دفعات شیرخوردن ۱۰ (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۵۰۲)؛ یا ۱۵ دفعه (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۶۹۵) باشد. دفعات شیرخوردن متوالی باشد و غذای دیگری نخورد (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۲۸)؛ ۷. شیرخوار، از پستان زن بمکد (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۲۸)؛ ۸. سن شیرخوار کمتر از دو سال قمری باشد؛ ۹. شیرخوار، تمام دفعات شیر را از پستان زن زنده بمکد (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۲۷).

تطبیق شاخصه‌های محرمیت رضاعی

از بین شروط تحقق محرمیت رضاعی، عمده شروط و قیود تعیین کننده محرمیت رضاعی توسط شیر که مرتبط با محرمیت‌های حاصل از تلقیح مصنوعی است و تکلیف محرمیت فقهی را در این موارد روشن می‌نماید، دو قید «مشروعیت ازدواج» و «تحقق آمیزش» می‌باشد.

الف. تطبیق شرط تشکیل مشروع جنین

ممکن است ادعا شود تلقیح مصنوعی، انتقال جنین یا اسپرم مرد اجنبی به زن اجنبیه از حیث مناط تفاوتی با زنا نداشته و به خاطر نامشروع بودن (برفرض مبنای عدم جواز) سبب انتشار محرمیت رضاعی نمی‌شود. برخی روایات چون معتبره علی بن ابراهیم عن ابیه عن عثمان بن عیسی عن علی بن سالم استناد شده است (قائینی، ج ۱، ص ۳۸۰) که امام صادق علیه السلام فرمودند: «إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَاباً يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ أَقَرَّ نُطْفَتَهُ فِي رَحِمٍ يَحْرُمُ عَلَيْهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۴۱).

اقرار نطفه در رحم حرام مورد وعید بر عذاب و نامشروع تلقی می‌شود و از آنجا که به مناسبت حکم و موضوع، آنچه مناط تحریم است اقرار نطفه در رحم حرام است و طرق و روش‌های این اقرار، منحصر در آمیزش نیست؛ (مومن، ۱۴۱۵ق، صص ۸۱-۸۲) و تلقیح‌های مصنوعی انتقال اسپرم یا جنین اجنبی از حیث مناط، خلاف شرع بودن‌شان با زنا یکسان‌اند، پس چنانچه شیر حاصل از زنا موجب انتشار حرمت رضاعی نمی‌شود، شیر حاصل از این تلقیح‌های مصنوعی (که غالباً فقها آنها را حرام می‌دانند) نیز سبب انتشار حرمت رضاعی نخواهد شد.

لکن ممکن است گفته شود در مواردی که جنین منتقل به رحم اجنبیه می‌شود، صدق عنوان «اقرّ نطفته» مشکوک است.

علاوه بر این، اگر به اجماع بر عدم انتشار حرمت رضاعی در شیر حاصل از زنا استدلال شود، پاسخ داده می‌شود که در صورت پافشاری بر دخل عنصر آمیزش در تحقق مناط زنا، به سبب لَبّی بودن دلیل اجماع و لزوم اقتضای بر قدر متیقّن آن، دیگر نمی‌توان اجماع بر عدم انتشار حرمت رضاعی با شیر حاصل از زنا را دلیل معتبری بر عدم انتشار محرمیت رضاعی با شیر حاصل از تلقیح مصنوعی به سبک رحم اجاره‌ای دانست.

علاوه بر این، روایاتی وجود دارد که دلالت بر مشروع بودن شیر مولد رضاع دارد؛ یکی روایت عبدالله بن سنان است که امام صادق علیه السلام در پاسخ از «لبن الفحل» می‌فرماید «فقال هو ما



ارضعت امرأتك من لبنك ولبن ولدك ولد امرأة اخرى فهو حرام» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۴۰).
 با توجه به توثیق تمام روایان (نجاشی، ۱۴۰۸ق، صص ۳۵۳، ۸۳ و ۲۱۴؛ طوسی، ۱۳۷۳ش، صص ۳۵۱ و ۳۳۴) و صحیح‌ه بودن روایت و بنا بر متن روایت، برای انتشار حرمت صدق دو عنوان «ارضعت امراتک» و «لبن ولدک» ضروری است. لذا اعتبار مشروعیت به وجود آمدن جنین اثبات می‌شود چرا که این دو تعبیر در جنین مشروع یافت می‌شود.

لکن مدرکی وجود ندارد که ولد الزنا، شرعاً ولد نیست؛ بلکه مراد از «الولد للفراش» در روایات نیز مملوکیّت ولد برای مالک صاحب الفراش است و نظری به نفی ولدیت برای زانی ندارد. بله روایات دلالت دارد بر اینکه ولد الزنا ارث نمی‌برد، ولی این تخصیص مثل تخصیص ولد قاتل که از پدرش ارث نمی‌برد، می‌باشد و معلوم است که معنای این ارث نبردن، نفی فرزندی نیست.

و همین‌طور برخی فقها (نجفی، ۱۳۶۲ش، ج ۲۹، ص ۲۶۵) اشکال کردند که «امراتک» خصوصیتی ندارد؛ بلکه اگر کنیزی که در ملک مردی است یا برای او تحلیل شده، نوزادی را شیر دهد، انتشار حرمت رضاعی نسبت به نوزاد با مالک کنیز یا مردی که مالک، مباشرت با کنیز را برای او تحلیل کرده اتفاق می‌افتد، این در حالی است که در این روابط، عقد نکاحی بین کنیز و مرد صاحب اسپرم برقرار نیست؛ پس «امراتک» قید غالبی است.

لکن چنین برداشتی مشکل است؛ چرا که سؤال سائل این است که بعد از آنکه معلوم است که لبن الفحل، یعنی شیری که مرد با مباشرت جنسی ایجاد کرده است، آیا این شیر شرطی دیگر باید داشته باشد یا آنکه آمیزش مرد مطلقاً کافی است؟ حتی اگر آمیزش و وجود جنین از طریق نامشروع حاصل شده باشد، حرمت رضاعی می‌آورد؟ در چنین فضایی وقتی امام علیه السلام می‌فرماید: «لبن امرأتک» معلوم است که صرف مباشرت مرد کافی نیست و زنا و نامشروع بودن جنین موجب انتشار حرمت رضاعی نمی‌شود. علاوه بر این اشکال، فقها در مقابل، به روایاتی دیگر استناد کردند (نجفی، ۱۳۶۲ش، ج ۲۹؛ ص ۲۶۶ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۳). بنابراین برای انتشار حرمت، صدق «ولدک» و «امراتک من لبنک» و به تعبیر کلی مشروع بودن شکل‌گیری جنین لازم است. لذا باید تحقق آن در انواع تلقیح مصنوعی بررسی شود. بنابراین شرط، مواردی که از نظر حکم تکلیفی قول به جواز پذیرفته شد، محرمیت رضاعی منتشر می‌شود؛ ولی مواردی که قول به عدم جواز پذیرفته شود انتشار محرمیت رضاعی با شیر حاصل از این تلقیح مصنوعی نیز قابل پذیرش نیست.

ب. تطبیق شرط تحقق آمیزش

یکی دیگر از شروطی که «رضاع» موجب نشر محرمیت شود، این است که شیر، حاصل از نکاح و وطی باشد (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۲۶). اجماع اصلی‌ترین دلیل قابل ذکر است (عاملی، ۱۳۷۶ق، ج ۷، ص ۲۰۷). و شهید ثانی نکاح معتبر در انتشار حرمت رضاعی را به آمیزش تفسیر فرموده و ثمره این تفسیر از اجماع محکی در موردی ظاهر می‌شود که زنی از شوهرش یا کنیزی از مالکش باردار شوند؛ اما منشأ حمل و بارداری، ملاعبه باشد نه دخول و وطی؛ در چنین موردی با توجه به تفسیر نکاح به آمیزش، انتشار حرمت رضاعی خلاف اجماع خواهد بود (نجفی، ۱۳۶۲ش، ج ۲۹، ص ۲۶۵). در مورد مسئله تلقیح مصنوعی بدون آمیزش نیز باید به عدم انتشار حرمت رضاعی قائل شد لکن این نکته - تفسیر نکاح به وطی - اشکالاتی دارد (زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۴، ص ۴۵۹).

اول اینکه صاحب جواهر معتقد است تفسیر نکاح به وطی در کلمات فقهای (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۴۲؛ فاضل هندی، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۱۲۴) عظام به اعتبار غلبه تحقق وطی در رابطه ازدواج باشد نه اینکه تحقق وطی در انتشار حرمت شرط شده باشد (نجفی، ۱۳۶۲ش، ج ۲۹، ص ۲۲۶). بنابراین به جهت اجمال در واژه نکاح در معقد اجماع و لبی بودن اجماع می‌بایست بر متیقن از آن اقتصار نمود.

بعلاوه این اجماع محکی بر اشتراط تحقق وطی در انتشار محرمیت رضاعی، احتمالاً بر پایه استظهار از برخی ادله روایی سامان یافته و با توجه به مدرکی بودنش، حجّیت مستقلی در پیشبرد بحث ندارد.

ج. شاخصه مأخوذ از آیه «وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ» و تطبیق آن

علاوه بر شاخصه‌های ذکر شده، ممکن است ادعا شود تعبیر مذکور در آیه ۲۳ سوره نساء می‌تواند یک تعبیر عام و قابل استناد در بحث انتشار حرمت رضاعی به شمار آید (انصاری، ۱۳۷۲ش، ص ۳۶۱). لکن محقق خویی درباره مرجعیت آیات ۲۳ و ۲۴ سوره نساء می‌فرماید: تعبیر «أُحْلَ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ» در ادامه این آیات، عمومیت تحلیل ازدواج را اثبات می‌کند و طوایف مذکور در این دو آیه، از جمله مادر و خواهر رضاعی، مخصّص برای این عموم هستند؛ لذا اگر در اعتبار شرطی در تحقق این عناوین مخصّص تردیدی صورت گیرد، از آنجا که مخصّص، بین اقل (تحقق عنوان مادر رضاعی با تحقق شرط مشکوک) و اکثر (تحقق عنوان مادر رضاعی بدون شرط مشکوک) مردّد و در دوران است به مقتضای تمسّک



به عام در شبهه اقل و اکثر مخصّص منفصل، حکم به تحلیل ازدواج یا همان عدم انتشار حرمت رضاعی می‌شود. چراکه عموم تحلیل ازدواج نسبت به فرض اکثری تحریم رضاعی تخصیص نخورده است (خویی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۷).

د. تطبیق شاخصه مأخوذ از روایت «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب»

شاخصه‌ای که به عنوان مؤلفه تعیین کننده انتشار محرمیت رضاعی قابل استفاده است، اطلاق روایت نبوی «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» می‌باشد لکن این اطلاق قابل خدشه است؛ به اینکه این روایت در مقام بیان قیود و شرایط محرمیت رضاعی نیست تا اطلاقی داشته باشد که برای نفی قیود و شروط مشکوک، به عنوان یک قاعده و اصل لفظی مرجع تمسک قرار گیرد؛ بلکه این بیان، به قرینه کثرت قیودی که در تحقق محرمیت رضاعی اعتبار شده است صرفاً رضاع را در منزلت نسب به عنوان یکی از اسباب قرابت و محرمیت تنزیل می‌کند (خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۱۸۲).

در تفسیر همین تعبیر نبوی، روایت دیگری وجود دارد که محقق خویی، در ضمن بحث از اعتبار ولادت در انتشار محرمیت رضاعی، وجود اطلاقی انتشار حرمت را از آن پذیرفته‌اند (خویی، ۱۴۱۷ق، ص ۸۳)؛ «سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول رسول الله صلى الله عليه وآله یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب فسر لي ذلك فقال: كل امرأة أرضعت من لبن فحلمها... فذلك الرضاع الذي قال رسول الله صلى الله عليه وآله و كل امرأة أرضعت من لبن فحلمين كانا لهما واحداً بعد واحد... ليس بالرضاع الذي قال رسول الله صلى الله عليه وآله: یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب وانما هو نسب ناحية الصهر رضاع...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۴۲).

برخی معتقدند این روایت، اطلاقی ندارد؛ بلکه در جهت تفسیر آیه شریفه‌ای است که می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا»؛ که حضرت می‌فرمایند نسب، توسط پدر؛ و صهر (قرابت سببی ازدواج) توسط مادر تنظیم می‌شود؛ و آن چنانکه در تحقق قرابت نسبی، وحدت پدر معتبر است، در تحقق قرابت سببی رضاع نیز اتحاد فحل (مرد صاحب اسپرم و موجب بارداری و شیردهی) معتبر است. چرا که قرابت سببی رضاع بر قرابت نسبی پدر تنزیل شده است (زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۴، ص ۷۱۴). پس تعبیر «کل امرأة أرضعت» عموم و اطلاقی نسبت به سایر شروط و قیود انتشار حرمت رضاعی ندارد؛ بلکه به قرینه تقیید این تعبیر به «من لبن فحلمها» و تقابله با تعبیر «کل امرأة أرضعت من لبن فحلمين كانا لهما» صرفاً ناظر به همان اعتبار وحدت فحل در انتشار حرمت رضاعی و تنزیل آن با محرمیت نسبی از جانب پدر می‌باشد.

نتیجه تطبیقات در موارد محرمیت رضاعی شیر مصنوعی

بنابر آنچه بیان شد و با توجه به دو شرط مطرح شده برای انتشار حرمت و اشکالات وارده، مشروع بودن شکل‌گیری چنین لازم است ولی شرط تحقق وطی ضروری نیست. لذا باید تحقق شرط اول در انواع تلقیح مصنوعی بررسی شود. نسبت به آن دسته از تلقیح‌های مصنوعی که در آن، تخمک زن با اسپرم همسرش بدون آمیزش و مباشرت جنسی بارور می‌شود و در داخل رحم همان زن قرار می‌گیرد، می‌توان حکم به انتشار حرمت رضاعی نمود؛ اما نسبت به مسئله رحم اجاره‌ای یا تلقیح‌هایی که بین تخمک زن با اسپرم مرد بیگانه صورت می‌گیرد، نتیجه‌گیری قدری مشکل می‌شود. چرا که از طرفی نوزاد متولد، فرزند صاحب اسپرم محسوب می‌شود اما از طرف دیگر، چون بین این مرد صاحب اسپرم و زنی که اجیر برای بارداری شده است، پیوند زناشویی مشروع برقرار نیست، نمی‌توان با قاطعیت درباره محرمیت رضاعی بین نوزاد دختر و مرد صاحب اسپرم قضاوت کرد. وانگهی در فرض شک، می‌توان اطلاق لفظی «أَجَلَ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ» یا استصحاب بقای حلیت ازدواج با نوزاد شیرخوار از این شیر را، مرجع و معیار برای حکم به عدم انتشار حرمت رضاعی در فرض رحم اجاره‌ای قرار داد.

به طور کلی در مواردی جواز شرعی، محرمیت رضاعی منتشر شده و در موارد عدم جواز، انتشار پذیرفته نیست و در فرض انتشار محرمیت رضاعی حاصل از شیر مصنوعی به اندازه‌ای است که محرمیت رضاعی در شیر عادی منتشر می‌شود و در محرمیت رضاعی عادی آن اندازه‌ای محرمیت ادامه پیدا می‌کند که محرمیت نسبی وجود دارد.

محرمیت سببی حاصل از تلقیح مصنوعی

مصاهره (پیوند زناشویی) موجب دو نوع حرمت می‌شود؛ یکی حرمت ابدی: ازدواج مرد با مادر زن خود هر چند با زن آمیزش نکرده باشد؛ و نیز ازدواج او با دختر زن که از مرد دیگر است، در صورت آمیزش با زن؛ و همچنین ازدواج زن با پدر و فرزندان شوهر که از زن دیگر هستند برای همیشه حرام است. و دیگری حرمت جمع: جمع کردن در ازدواج میان دو خواهر در يك زمان حرام است (روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۱، ص ۲۴۳). همچنین به صرف عقد کردن زنی، جمع میان او و دخترش حرام است.

در محرمیت سببی یا محرمیت حاصل از سبب ازدواج و مصاهره و داماد تنها نکته قابل ذکر این است که بین مرد صاحب اسپرم و زنهایی - غیر همسرش - که به نوعی در تشکیل چنین و فرزند وی دخیل هستند، مثلاً رحم آن زن را اجاره نموده است یا تخمک اهدایی



- یا بخشی از تخمک - از ایشان گرفته است، رابطه‌ای به وجود می‌آید که قابلیت بررسی ایجاد محرمیت را دارد؛ لکن با توجه به اینکه زوجیت و محرمیت حاصل از سبب مصاهره - محرمیت مادر زن و فامیل‌های خانم همسر - متفرع بر انعقاد عقد نکاح یا نزدیکی و هبستری است پاسخ این مطلب روشن است که در مواردی که مرد با افراد دخیل در جنین عقد نکاح بسته باشد، زوجیت و محرمیت سببی محقق است و در مواردی که عقد نکاح و وطی در کار نباشد، زوجیت و محرمیتی نیز نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

محرمیت، موضوع مستنبط شرعی و تأسیسی می‌باشد که باید با مراجعه به فقه و شریعت اسلام شاخصه‌های این مفهوم محرمیت را معلوم نمود و شاخصه‌های مأخوذ از منابع فقه یعنی آیات و روایات، همان اسباب شرعی محرمیت از جمله نسب، ازدواج، رضاع و... می‌باشد که موارد محرم نسبی و سببی و رضاعی در متون دینی و کتب فقهی معرفی شده‌اند و برای تعیین ثبوت محرمیت در روابط حاصل از تلقیح مصنوعی بین افراد باید همین شاخصه‌ها و عناوین و اسباب شرعی محرمیت را بر آنها تطبیق نمود؛ که در نتیجه معلوم می‌شود محرمیت نوزاد پسر با زن صاحب رحم و تخمک به دلیل ثبوت نسب مادری، ثابت است و محرمیت نوزاد پسر با زن صاحب رحم بنابر قولی که نسب مادری ثابت است، محرمیت ثابت است؛ ولی بنابر قولی که نسب مادری ثابت نیست، ثبوت محرمیت اختلافی است و محرمیت نوزاد پسر با زن صاحب تخمک بنابر نظر مشهور که این زن را مادر می‌دانند، ثابت است؛ و محرمیت نوزاد دختر با مرد صاحب اسپرم به دلیل ثبوت نسبت پدری ثابت است و نوزاد دختر با شوهر زن صاحب تخمک و رحم محرم است و محرمیت نوزاد دختر با شوهر زن صاحب تخمک ثابت نیست؛ و همچنین شوهر زن صاحب رحم بنا بر نظر مشهور، با نوزاد دختر محرم نیست.

از ادله ادعایی برای اثبات انتشار محرمیت رضاعی و سرایت آن به موارد تلقیح مصنوعی، اطلاقی برای نشر محرمیت رضاعی برداشت نمی‌شود تا شامل موارد روابط تلقیح باشد. بعلاوه محرمیت رضاعی مقید به شروطی است و شرط مشروعیت ازدواج لازم است؛ ولی شرط تحقق وطی لازم نیست. بنابراین در مواردی حکم تکلیفی تلقیح مصنوعی مد نظر، جواز باشد، محرمیت رضاعی منتشر می‌شود و در صورت قول به عدم جواز، انتشار محرمیت رضاعی مصنوعی قابل پذیرش نیست و اگر موردی محرمیت رضاعی حاصل از شیر مصنوعی ثابت شد، این محرمیت به اندازه‌ای است که محرمیت رضاعی در شیر عادی منتشر می‌شود و در محرمیت رضاعی عادی آن اندازه‌ای است که محرمیت نسبی وجود دارد.

فهرست منابع

۱. اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۴۱۶ق)، مجمع الفائدة و البرهان، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.
۲. _____، (بی تا)، زیادة البيان في أحكام القرآن، ۱ مجلد، تهران: المكتبة الجعفرية لإحياء الآثار الجعفرية.
۳. انصاری، مرتضی، (۱۳۷۲ش)، رساله فی الرضاع، چاپ اول، قم: انتشارات مجمع الفكر اسلامي.
۴. انصاریان، حسین، (۱۴۲۵ق)، نظام الاسرة فی الاسلام، قم: انصاریان.
۵. انوری، حسن، (۱۳۸۱ش)، فرهنگ بزرگ سخن، چاپ اول، تهران: نشر سخن.
۶. البحرانی، الشیخ محمد صنفور، (۱۴۲۶ق)، المعجم الأصولي، چاپ دوم، الناشر: منشورات نقش.
۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۱۰ق)، صحیح بخاری، قاهره: جمهورية مصر العربية، وزارة الاوقاف، المجلس الاعلى للشئون الاسلامية، لجنة إحياء كتب السنة.
۸. بیات، حجت الله، (۱۴۰۱ش)، نیمه اول اجتهاد، چاپ اول، قم: نشر موضوع شناسی.
۹. التمیمي المغربي، النعمان بن محمد، (۱۳۸۵ق)، دعائم الإسلام، قاهره: دار المعارف.
۱۰. الحر العاملي، شیخ محمد بن حسن، (۱۳۷۶ق)، وسائل الشیعه، چاپ پنجم، تهران: انتشارات اسلاميه.
۱۱. حسینی روحانی، سید صادق، (۱۴۱۲ق)، فقه الصادق علیه السلام، قم: دارالکتاب مدرسه امام صادق علیه السلام.
۱۲. خمینی، سید روح الله، (بی تا)، تحریر الوسيلة، چاپ اول، قم: دار العلم.
۱۳. خوانساری، سید احمد بن یوسف، (۱۴۰۵ق)، جامع المدارك، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۴. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۰۳ق)، معجم رجال الحديث، چاپ سوم، بیروت: دارالزهراء.
۱۵. _____، (۱۴۱۷ق)، احکام الرضاع فی فقه الشیعه، چاپ اول، بیروت: المنیر.
۱۶. دربندی، آقا بن عابد، (۱۲۸۴ق)، خزائن الاصول، چاپ اول، قم: (بی نا).
۱۷. السبزواري، السيد عبدالاعلي، (۱۴۱۷ق)، مهذب الاحکام، قم: دفتر آية الله سيد سبزواري.
۱۸. سیستانی، سید محمد رضا، (۲۰۰۴م)، وسائل الانجاب الصناعية، چاپ اول، بیروت: دار المؤرخ العربی.
۱۹. شبیری زنجانی، سید موسی، (۱۴۱۹ق)، کتاب نکاح، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
۲۰. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۰ق)، الروضة البهية، چاپ اول، قم: کتابفروشی داوری.
۲۱. _____، (۱۴۱۳ق)، مسالک الافهام، قم: مؤسسه معارف اسلامي.
۲۲. صفی پوری هندی، (۱۲۵۷ق)، منتهی الأرب، چاپ اول، ناشر: مطبع سرکاری - لاهور پاکستان.
۲۳. طباطبایی قمی، تقی، (۱۴۲۳ق)، الأنوار البهية في القواعد الفقهية، قم: محلاتی.
۲۴. طباطبایی، سید علی، (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل، چاپ اول، قم: آل البيت علیه السلام.
۲۵. طریحی، فخرالدین، (۱۳۶۵ش)، مجمع البحرين، تهران: مکتبه المرتضويه.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۷۳ش)، الرجال، چاپ سوم، قم: جماعة المدرسين، مؤسسة النشر الإسلامي.

فهرست منابع

۲۷. _____، (۱۳۸۸ق)، **المبسوط في فقه الإمامية**، تهران: المكتبة المرتضوية.
۲۸. _____، (بی تا)، **الفهرست**، نجف اشرف: المكتبة الرضوية.
۲۹. ظهیری، عباس، (۱۳۹۶ش)، **درآمدی بر دانش موضوع شناسی**، مؤسسه موضوع شناسی احکام فقهی، نشر معروف.
۳۰. العاملي، سيد محمد، (۱۴۱۳ق)، **نهاية المرام**، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
۳۱. فاضل مقداد، ابن عبدالله سيوري حلي، (۱۴۲۲ق)، **كنز العرفان في فقه القرآن**، تهران: المجمع العالمي للتقريب.
۳۲. فاضل هندي، بهاء الدين محمد، (۱۴۲۴ق)، **كشف اللثام عن قواعد الاحكام**، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.
۳۳. فخرالمحققين، محمد بن الحسن، (۱۳۶۳ش)، **ايضاح الفوائد**، قم: بنياد كوشانپور.
۳۴. فراهيدى، خليل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، **كتاب العين**، چاپ اول، قم: مؤسسة دار الهجرة.
۳۵. فرحناك، عليرضا، (۱۳۹۰ش)، **موضوع شناسی در فقه**، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامي.
۳۶. القائني، محمد، (۱۴۲۷ق)، **المبسوط في المسائل الطبية**، قم: مركز فقه الائمة الاطهار عليه السلام.
۳۷. كشى، محمد بن عمر بن عبد العزيز، (۱۳۹۰ق)، **رجال كشى**، چاپ اول، مشهد: دانشگاه مشهد.
۳۸. كلينى، ابو جعفر محمد بن يعقوب، (۱۴۰۷ق)، **الكافي**، چاپ چهارم، تهران: دار الكتب الاسلامية.
۳۹. مجمع اللغة العربية، (۱۴۲۶ق)، **المعجم الوسيط**، القاهرة: مكتبة الشروق الدولية.
۴۰. محقق حلى، جعفر بن حسن، (۱۳۹۴ش)، **شرائع الاسلام**، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامي.
۴۱. محمدى قائينى، محمد، (۱۳۹۵ش)، **پژوهشى در مسائل فقه پزشكى**، چاپ اول، قم: انتشارات مركز فقهى ائمه اطهار عليه السلام.
۴۲. مشكيني، علي، (۱۴۱۹ق)، **مصطلحات الفقه**، قم: انتشارات الهادي.
۴۳. مكارم شيرازى، ناصر، (۱۴۲۴ق)، **كتاب النكاح**، قم: مدرسة الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام.
۴۴. مؤمن قمى، محمد، (۱۴۱۵ق)، **كلمات سديدة فى مسائل جديدة**، قم: موسسه النشر الاسلامي.
۴۵. نجاشي، (۱۴۰۸ق)، **رجال النجاشي**، بيروت: دارالاضواء.
۴۶. نجفي، محمد حسن، (۱۹۸۱م)، **جواهر الكلام**، بيروت: داراحياء التراث العربي.
۴۷. نراقي، مولي احمد بن محمد مهدي، (۱۴۱۵ق)، **مستند الشيعة في أحكام الشريعة**، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۴۸. نفيسى، على اكبر، (بی تا)، **فرهنگ ناظم الاطباء**، تهران: كتابفروشى خيام.



تشخيص الموضوع الفقهي لـ «أسباب المحرمية الناشئة عن التقنيات الحديثة للإنجاب»

السيد هدايت الله ميرسالاري

ملخص البحث

أبرزت التطورات في مجال التقنيات الحديثة للإنجاب علاقات بين المواليد الناتجين عن هذه الطرق والأشخاص المعنيين بعملية ولادتهم؛ وهي علاقات قد تكون منشأً لأحكام المحرمية في الفقه، كحرمة النكاح وجواز النظر. تتمثل المسألة الرئيسية في أنه كيف يُفسَّر تشخيص الموضوع الفقهي للمحارم في التقنيات الحديثة للإنجاب، وما هي المعايير التي يمكن الاعتماد عليها للحكم بتحقيق المحرمية النسبية أو الرضاعية في هذه العلاقات؟ أنجز هذا البحث بالمنهج الوصفي التحليلي والدراسة المكتبية، وقد نُظِّم في قسمين: التعرف على الحالات المختلفة للعلاقات بين الطفل الناتج عن التلقيح الصناعي وأصحاب الخلايا الجنسية، والرحم، والأزواج وإحصاء تلك الحالات؛ ودراسة المعايير الفقهية لأسباب المحرمية (النسب، المصاهرة، الرضاع) وتطبيقها على العلاقات المذكورة. وتبين النتائج أنَّ عنوان «المحرمية» هو عنوان تأسيسي شرعي، ولا يثبت إلا بتحقيق أحد أسباب المحرمية الثلاثة. وعليه، فإنَّ ثبوت المحرمية أو عدم ثبوتها في العلاقات الناشئة عن التلقيح الصناعي، يرتبط بإمكان انطباق هذه الأسباب على الأوضاع المستجدة. واستناداً إلى التطبيقات، تثبت المحرمية بين المولود الذكر وكل من صاحبة الرحم والبويضة، وكذا مع صاحبة البويضة التي يذهب المشهور إلى اعتبارها أمًّا؛ إلا أنَّ نسبة المحرمية بين الطفلة المولودة وزوج المرأة صاحبة الرحم أو البويضة محل خلاف. إضافةً إلى ذلك، فإنَّ المحرمية الرضاعية الناشئة عن اللبن الصناعي، لا تسري إلا في فرض مشروعية التلقيح وتحقق شروط الرضاع، ويكون نطاقها مماثلاً للمحرمية الرضاعية في الحالات الطبيعية. وعليه، يُعدَّ تشخيص موضوع علاقات التقنيات الحديثة للإنجاب وتطبيقها على معايير المحرمية، خطوةً ضروريةً لاستنباط الأحكام الشرعية للمحارم الجدد.

الألفاظ المفتاحية: أسباب المحرمية، الإنجاب الحديث، تشخيص موضوع المحرمية، المحارم الرضاعية، المحارم النسبية.

١. أستاذ السطوح العليا في الحوزة العلمية بقم، باحث في مجال فقه الطب، sayedhedayatm@gmail.com.



Juristic Subject Analysis of the Causes of Maḥramiyyah Arising from Modern Reproductive Technologies

Sayyid Hedayatollah Mirsalari¹

Abstract

Advances in modern reproductive technologies have created new relationships between children born through these methods and the individuals involved in their conception and birth. Such relationships may give rise in Islamic jurisprudence to rulings concerning maḥramiyyah (legal unmarriageability), including the prohibition of marriage and the permissibility of visual interaction. The central question addressed in this study is how the juristic subject-analysis of maḥram relationships in the context of modern reproductive technologies should be conceptualized and according to which criteria the realization of nasabī (consanguineous) or raḍāʾī (foster-kinship through breastfeeding) maḥramiyyah may be determined. This descriptive-analytical, library-based study proceeds in two stages: first, by identifying the various forms of relationships between children conceived through artificial insemination and the providers of reproductive cells, gestational carriers, and their spouses; and second, by examining the juristic criteria governing the causes of maḥramiyyah—lineage, marriage, and fosterage—and applying them to these emerging relationships. The findings indicate that maḥramiyyah is a legally established institution whose existence depends exclusively upon the realization of one of its three recognized causes. Consequently, whether maḥramiyyah is established in relationships arising from artificial insemination depends on the applicability of these causes to newly emerging circumstances. According to the study's analysis, a male child is unquestionably maḥram to the gestational mother and to the genetic mother, whom the majority of jurists regard as the child's mother. However, the status of maḥramiyyah between a female child and the husband of either the gestational or genetic mother remains disputed. In addition, raḍāʾī maḥramiyyah resulting from artificial milk extends only where the insemination is considered legally valid and the established conditions of fosterage are fulfilled, and its scope corresponds to that of natural fosterage. The study concludes that careful subject-analysis of relationships created by modern reproductive technologies and their comparison with the established criteria of maḥramiyyah constitute an indispensable step in deriving rulings concerning newly emerging categories of legally unmarriageable kin.

Keywords: Causes of maḥramiyyah, modern reproduction, subject-analysis of maḥramiyyah, foster kinship, blood kinship.

1. Senior Instructor at the Advanced Levels of the Qom Seminary and Researcher in the Field of Medical Fiqh. Email: sayedhedayatm@gmail.com.